



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و منطقه
Scientific Information Database



Academia.edu
share research



سال انتشار	۱۴۰۲	شماره انتشار	۱۶	دوره انتشار	۵	صفحات	۱-۱۷
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

نگرشی نو بر ادله اثبات جرایم جنسی در حقوق کیفری و فقه جزایی

خانم آمنه دلاوری و آقای دکتر بهروز کم

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد گنبد، گلستان، ایران.

استادیار حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد گنبد، گلستان، ایران.

چکیده

اثبات جرایم جنسی در محاکم قضایی از چنان اهمیتی برخوردار است که شارع مقدس نیز بر آن تاکید داشته و در سیره معصومین (ع) نیز از طرق مختلف برای اثبات جرم استفاده شده است.

اما شارع مقدس، علاوه بر نگاه جزایی، نگاه تربیتی نیز اتخاذ نموده است و در اثبات جرایم تدابیری اندیشیده است تا ضمن احقاق حقوق بزه-دیدگان، آبروی افراد نیز در جرایمی که اغلب جنبه حق الله آن بر حق الناس غلبه دارند، دستخوش تضییع قرار نگیرد که این دیدگاه همه جانبه سبب شده است تا اثبات جرایم جنسی، با چالش-هایی مواجه شود، زیرا این رفت اسلامی، بستر مناسبی را برای بزه-کاران فراهم خواهد کرد.

اقرار، شهادت و علم قاضی از مهمترین ادله اثبات جرایم جنسی می باشند که به دلیل رویارویی با چالش-های صدرا اشاره، کارآمدی خود را در اثبات جرایم جنسی از دست دهند؛ زیرا قیودی که در هنگام بکارگیری این دو دلیل در اثبات جرم مضاف می-شود، توان اثباتی آن-ها را کاهش داده و سبب تضییع حقوق بزه-دیدگان می-گردد. لذا در این پژوهش ابتدا چالش-های موجود در مرحله اثبات جرایم جنسی مورد بررسی و تبیین قرار گرفت و سپس، امکان سنجی استناد به ادله بروز علمی از دیدگاه فقه مورد واکاوی قرار گرفته و مصادیق استناد به ادله علمی در سیره معصومین (ع) که مهر تاییدی بر لزوم استناد به ادله علمی در عرض سایر ادله اثبات سنتی می-باشد، بررسی گردید.

واژگان کلیدی: دله اثبات جرایم جنسی، اقرار، انکار، شهادت، ادله علمی

طبقه‌بندی: JEL فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



A new perspective on evidence to prove sexual crimes in criminal law and penal jurisprudence

Abstract

Proving sexual crimes in judicial courts is so important that it is emphasized by the Holy Sharia and in the Seerah of the Infallibles (AS) different methods are used to prove the crime.

However, the holy law, in addition to the penal view, has also adopted an educational view and in proving the crimes, it has thought of measures so that, while the rights of the victims are fulfilled, the reputation of the people is also damaged in crimes that often have the rights of God over the rights of people. Don't think that this comprehensive view has caused the proof of sexual crimes, with challenges will be faced, because this Islamic raft will provide a suitable platform for criminals. Confession, testimony and knowledge of the judge are among the most important evidences to prove sexual crimes, which lose their effectiveness in proving sexual crimes due to facing the challenges of Sadr al-Ashara; Because the restrictions that are added when using these two reasons to prove the crime, reduce their proof power and cause the rights of the victims to be violated. Therefore, in this research, firstly, the challenges in the stage of proving sexual crimes were examined and explained, and then, the feasibility of citing scientific evidence from the point of view of jurisprudence was analyzed and the examples of citing scientific evidence in the life of the Innocents (PBUH) were analyzed. A seal of approval on the need to cite scientific evidence in the context of other traditional proofs It was checked.

Keywords: sexual crimes, evidence, confession, denial, testimony, scientific evidence



متن مقاله

باشد، تصور بر رضایت است چون در یک کلیشه ذهنی، کسی که راضی به عمل جنسی نباشد مقاومت کرده و به لحاظ جسمی صدمه می بیند یا اینکه فریاد زده و تقاضای کمک می کند. اما این تنها یک کلیشه ذهنی است نه واقعیت. کم نیستند قربانیانی که تحت تأثیر تهدید یا فریب مورد تجاوز قرار می-گیرند یا کودکانی که به جهت اعتماد و وابستگی روحی به اقوام نزدیک و بی آنکه درکی از عمل در حال انجام داشته باشند بدون مقاومت و حتی گاه با تمایل ظاهری، مورد تجاوز جنسی قرار می گیرند. مساله ادله اثبات جرم یکی از مهمترین موضوعاتی است که همواره در مراحل دادرسی مورد توجه خاص قانونگذار بوده و به عنوان مهمترین ابزار مورد استفاده دادگاه ها در راستای احقاق حقوق اذ دست رفته قربانیان جرم می باشد لذا ضروری است تا این ادله به خوبی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در احقاق حقوق تضییع شده قربانیان به مدد قاضی برسد. در جرایم جنسی نیز این ادله بسیار حائز اهمیت است و به همین منظور در فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران مورد بررسی ویژه قرار گرفته است. اما باید توجه داشت که تحولاتی که در دنیای امروزه و عرصه تکنولوژی بدست آمده است سبب سازمان یافتگی جرایم و مجرمان گردیده است لذا با توجه به تحولات این عرصه و پیچیدگی دادرسی در این عرصه و ایجاد نگرشی نو در ادله اثباتی جرایم جنسی محقق را برآن داشت تا با مطالعه تطبیقی و تتبع در منابع فقهی و حقوقی و نیز بررسی روایات وارده و نظرات فقهای گرانقدر در مورد سه دلیل اقرار، شهادت و علم قاضی به عنوان پیکره اصلی مبحث مورد تجزیه قرار گیرد سپس با توجه به بیانات فوق به این سوال پاسخ دهد که آیا استناد به ادله علمی و قرار دادن آن-ها در عرض سایر ادله سنتی همچون شهادت شهود، اقرار و... مشروعیت دارد یا خیر؟

۲- مفاهیم

جرایم جنسی از جمله جدی ترین جرایم در جوامع انسانی است که عدم مواجهه مناسب با آن می تواند منتهی به چرخه ای بی پایان از خشونت شود. بسیاری از تحقیقات اجتماعی نشان داده است که تعداد زیادی از بزهکاران جرایم جنسی خود پیشتر بزه دیده این جرایم بوده اند. جرایم جنسی و به خصوص تجاوز جنسی به منزله یک جرم جدی ناقض تمامیت جسمانی و روانی یک انسان دیگر، در همه نظام های حقوقی جرمی جدی تلقی شده و مستوجب سخت ترین و شدیدترین مجازات بوده و هست. شاید به جرأت بتوان گفت جرایم جنسی علیرغم اهمیت و شدت آن، بیشترین آمار خاکستری را در میان جرایم دارد. چرا که جرایم جنسی گاه کشف می شوند اما مرتکب آنها هیچ گاه یافت نمی-شود یا به برخی دلایل قانونی مثل دشواری اثبات این دست جرایم، از مجازات رهایی می-یابد یا اینکه اساساً وقوع آن به جهت ترس از به خطر افتادن آبرو، تزلزل موقعیت اجتماعی و خانوادگی، هراس از انگشت نما شدن، گاه مراحل توهین آمیز بازجویی و وحشت از کشته شدن توسط افراد ذکور خانواده به مراجع رسمی گزارش نمی شود. کمتر کسی در اهمیت و تاثیر این بزه بر جسم و جان قربانیان تردید دارد اما در کنار صدمه جسمانی و روحی قربانی، آنچه این رنج را پررنگ تر می-کند حاکمیت کلیشه های اجتماعی پیرامون این جرایم به خصوص تجاوز جنسی است. مردسالارانه بودن جوامع باعث شده است ادبیات پیرامون آن نیز مردسالارانه باشد و در بسیاری از اوقات به جای آنکه تمرکز بر متجاوز

باشد، قربانی مورد سرزنش قرار گیرد. این پیش فرض ها و داوری های اشتباه در خصوص تجاوز یا متجاوز در مطالعه محاکم عالی نیز قابل مشاهده است (منیری و وکیل-زاده، ۱۳۹۶، ۱۴۷). از همین روست که اثبات تجاوز در مواردی که قربانی مورد خشونت جسمی جدی قرار نگرفته



در قانون برای آن جرم تعیین شده باشد. (نوبهار، ۱۳۸۹، ۲۹)

در تعریفی دیگر، عملی که توسط قانونگذار منع و مستوجب مجازات دانسته شده و در ماهیت و نفس خود عملی است که به غریزه و شهوت جنسی مرتبط است و در واقع به نوعی از ماهیت جنسی برخوردار است. به دیگر بیان هر عملی که منشأ شهوانی و جنسی داشته و برای آن مجازات تعیین شده باشد، مصداق جرم جنسی است. (یزدانی و زاهدان، ۱۳۹۱، ۲)

در یکی از تعریف های نسبتا کامل، مقصود از معنای عامی است که ارتباطات جنسی طبیعی یا غیر طبیعی مانند زنا، لواط، همجنس «جرائم جنسی» بازی، جریحه دار کردن حیای جنسی دیگری مانند بازی کردن با آلت جنسی او، تعرض به عفت و حیای دیگران مانند بیرون آوردن آلت تناسلی نزد آنان و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را در برمی گیرد. (نوبهار، ۱۴۰۱، <http://www.rnobahar.ir>، ص ۴).

لاجرم تعریفی که در این کار مبنای ما خواهد بود چنین است که جرم جنسی هر عملی جنسی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد. شایان ذکر است که هر تعریفی از این جرایم، با توجه به مصادیق رفتاری این جرایم در نظام ایران و سایر نظام های حقوقی تعریفی ناقص خواهد بود.

۳- ادله اثبات از دیدگاه فقه

اصولا در اسلام توصیه و تشویق بر عدم افشای جرم توسط مجرم است. صاحب جواهر می-گوید استتار جرم از سوی تبهکار و عدم اعتراف او در حقوق الله مستحب است، زیرا مخفی داشتن بزه سودمندتر و به مصالح نزدیک-تر از اجرای کیفر می-باشد و پوشاندن زشتی-ها شایسته-تر از اظهار نمودن آن-ها است (نجفی، بی-تا، ج ۱۱، ۴۱)

اما انسان به دلیل غرایز و تمایلات مادی فراوانش همواره خواهان ارضای بی حد و مرز تمایلات خود است که این خود سبب نقض تمامیت جسمانی

در تعریف هر ماهیت مرکب، گریزی از تعریف اجزاء نیست. بنابراین در تعریف جرایم جنسی همچون هر ترکیب اضافی دیگر لازم است نخست اجزا تشکیل دهنده مرکب شناسایی شده و از این راه اصطلاح مرکب تعریف شود بنابراین در اولین گام گریزی نیست از شناخت ماهیت جرم جنسی در فقه که خود تعریف آن در حقوق موضوعه ما نیز هست.

۱-۲ تعریف قانونی و حقوقی جرم جنسی

پس از تعریف و تبیین مفهوم جرم، اکنون به تبیین اصطلاح جرایم جنسی خواهیم پرداخت. یقینا واقفید بر این که انسان همواره مالک جسم و جان خویش است و تمامیت جسمانی او باید از هرگونه تعرض مصون بماند، اما متأسفانه در مواردی به تمامیت جسمانی افراد تعرض شده و انجام اعمال جنسی بدون رضایت و با استفاده از عتف و اکراه، این تمامیت جسمانی را خدشه دار خواهد کرد. لذا پیش از هر بحث در باب این جرایم، باید به فهمی از این جرم به واسطه تعریف و محدوده آن رسید.

با تفحص در منابع قانونی و فقهی تعریف جامع و مانعی از جرم جنسی تحصیل نمی-شود و در رویه قانونی نیز تعریف صریحی از این جرم بیان نشده و صرفا مصادیق آن تبیین شده است لذا تنها راه رسیدن به تعریف این جرم بررسی مصادیق آن است. همچنین با بررسی-ها از نظام حقوقی انگلستان نیز نشان می-دهد که در این نظام نیز وضع بر همین منوال است و در هیچ یک از قوانین منبع، تعریفی از جرم جنسی به طور کلی ارائه نشده و به ذکر مصادیق در مواد مختلف اکتفا شده است. همچنین در هر دو نظام حقوقی بیشترین تمرکز در تعاریف، در تعریف تجاوز جنسی به عنوان مهم ترین جرم جنسی است.

اکنون به تبیین تعاریفی از جرم جنسی که در منابع مختلف بیان شده است، می-پردازیم.

در تعریفی، جرم جنسی عبارت است از هرگونه عمل با ماهیت جنسی که



البته باید عنوان کرد که این رویکرد از جانب شارع مقدس، رویکردی حکیمانه بوده که سبب بسته شدن باب اتهامات ناروا گشته و حریم جنسی افراد را از هرگونه تهمت و ابروریزی مصون می-دارد و در نتیجه سبب می-گردد تا قبح اعمال منافی عفت باقی بماند و با رواج نیافتن آن، خطوط قرمز آن عمل حفظ گردد.

زیرا هرگاه جرمی به هر دلیل در جامعه رایج شود و پیوسته افرادی به ارتکاب آنها محکوم شوند، رفته رفته ذهن و روان مردم با آن پدیده خو گرفته و در نتیجه از زشتی آن کاسته می-شود بنابراین برای اثبات این گونه جرایم دلایلی متقن لازم بوده و شرایط اثبات آن کمی متفاوت تر از دیگر جرم ها خواهد بود.

در ادامه به تبیین ادله و چالش-های موجود در آن-ها خواهیم پرداخت.

۱-۳ ادله اثبات جرایم جنسی

در خصوص ادله اثبات جرم، رویکرد نظام های حقوقی به دو نوع دلیل قانونی و دلیل معنوی تقسیم می شود. در نظام دلیل قانونی، نوع و ارزش اثباتی دلیل از سوی قانونگذار تعیین می گردد و تنها ارائه دلیل مصرح قانونی است که قاضی را مکلف به پذیرش دلیل و صدور حکم بر مبنای آن می نماید در واقع در این نظام هر دلیل خود موضوعیت یافته و نقش قاضی به احراز دلیل یا دلیل مورد نظر قانونگذار تنزل می یابد (خالقی، ۱۳۹۴، ۱۶۵ و مولودی و دیگران، ۱۳۹۳، ۲۰۶) اما در نظام حقوقی معنوی، اقناع قاضی به وسیله دلایل معنوی صورت می-پذیرد که در این شیوه قاضی حق دارد به هر طریق ممکن و با استفاده از هر دلیل و مدرکی به دعوا رسیدگی نماید لذا در این نظام علم قاضی جایگاه اساسی خواهد داشت. قانون مجازات اسلامی در یک نوآوری قابل توجه بخشی از کتاب اول قانون مجازات اسلامی را به ادله اثبات اختصاص داد.

در حالت کلی ادله اثبات جرایم به شرح ذیل می-باشد؛

افراد گشته و مانع رشد جامعه و به مخاطره انداختن ارزش-های اسلامی می-گردد. اسلام علاوه بر دستوراتی که در جهت تقویت ایمان و اراده و دوری از گناه از طریق آیات، روایات، سنت پیامبر(ص) و سیره معصومین(ع) بیان داشته است، مجازات-های را برای قانون-شکنان و متجاوزان با هدف جلوگیری از فتنه و تضییع تمامیت جسمانی افراد پیش بینی نموده است و برای اثبات جرایم، راه-هایی را مقرر داشته است. در فقه اسلامی در زمینه اثبات قضایی جرایم جنسی، رویه ای خاص برگزیده شده است لذا در صورتی که جرمی جنسی اتفاق افتاده باشد در وهله اول پوشاندن زشتی و گناه توصیه شده است لذا قاضی موظف به کسب علم و اطمینان به ارتکاب عمل نیست. اما در صورتی که تجاوز به صورت عنف صورت گرفته شده باشد و شاکی خصوصی وجود داشته باشد قاضی موظف به رسیدگی است اما بنابر قولی حتی در صورت پیدایش چنین علمی، در مقام حکم، نمی تواند بدان استناد نماید.

به موجب ادله، اثبات زنا و همجنس گرایی با چهار شاهد عادل که عمل منافی عفت را آشکارا مشاهده کرده باشند ثابت می شود. مستند این امر پیش از هر چیز قرآن کریم است که خطاب به حاکمان یا شوهرانی که زنان آنها مرتکب خلاف شده اند بنابر اختلاف تفاسیر اثبات زنا را به چهار شاهد منوط می کند. (نساء/۱۵-۱۶)

علاوه بر تعداد شهود، کیفیت ادای شهادت شهود نیز در جرایم جنسی ملاک است و بر طبق این نظر، در منافیات عفت شهادت داوطلبانه پذیرفته نمی شود؛ بلکه ادای شهادت باید به درخواست ذینفع یا محکمه باشد لذا اینگونه می-توان نتیجه گرفت که اسباب ردّ شهادت به طور کلی و علی الخصوص در اعمال منفی عفت بسیار است و در منابع فقهی به تفصیل بیان شده است. هرگاه چهار شاهد به هر دلیل نتوانند عمل منافی عفت را ثابت کنند، به مجازات جرم کذب محکوم می شوند.



عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات در جرایم جنسی از آن یاد می-شود که نقش مهمی در ایجاد اقناع قضایی دارد. اما بر خلاف بسیاری از جرایم در جرایم جنسی، کارآمدی لازم را نداشته و از حیث اثباتی، موجب چالش-هایی در نظام کیفری گردیده است و مزید بر آن، در نظام کیفری تمایزی در کیفیت و کمیت اقرار و نیز اقرار-های معتبر و فاقد اعتبار در بین جرایم جنسی و سایر اعمال جنسی همراه با رضایت قائل نشده است و در عین حال قابل پذیرش نیست که شارع مقدس در اثبات قضایی جرایم جنسی از روش-های سخت-گیرانه در ارتباط با عفت در فرض رضایت طرفین پیروی نماید. (نوبهار، ۱۴۰۱، ۵)

اکنون در این مقال به تبیین چالش-های موجود در اقرار به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات خواهیم پرداخت.

نخستین چالش در اقرار های ناقص نمایان می-گردد.

- شایان توجه است که قانون گذار برای اثبات زنا به طور مطلق در بند الف ماده ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) چهار بار اقرار ضروری بوده که در حد زنا، با اقرار کمتر از ۴ مرتبه، هیچ نوعی از حد زنا اثبات نمیگردد و حتی حد قتل و حد تازیانه همگی با چهار بار اقرار به اثبات می رسد. لذا با توجه به این نکته و نیز با نگاهی بر ماده ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی، اقرار کمتر از ۴ مرتبه، اقرار ناقص تلقی شده و اثر اثباتی آن، شلاق و تعزیر برای مرتکبان است که این عدم اجتماع اقراریر سبب فراهم نمودن راه فراری برای مرتکب به جرایم جنسی گردیده است و ارفاقی برای مرتکب محسوب می-گردد در حالی که این ارفاق مختص جرایم فاقد بزه دیده بوده ولی قانون گذار با تسری مقررات، تفکیکی بین جرایم جنسی همراه با رضایت و جرایم جنسی فاقد رضایت قائل نشده است. لذا با بررسی پرونده-های متعدد، مشاهده می-شود که در بسیاری از موارد متهم به وقوع جرم اقرار نموده است، از تکمیل اقراریر امتناع کرده بنابراین اگر متهم

اقرار به زبان دادرسی عبارت از اعترافی است که کسی به صحت امری که علیه او اظهار شده بنماید. (دفتری، ۲۷۸، ۳)

به بیانی دیگر: «اقرار عبارت است از اخبار از وضع خاص موجود که به سود غیر و به زیان مخبر و یا موکل اوست» (لنگرودی، ۱۳۹۴، ۱۷۷). اقرار از جمله دلایل اثبات یک جرم می باشد، اما در جرایم جنسی، اقرار شخص به انجام چنین عملی به سختی انجام می شود، و بسیاری از مجرمان در مراحل مختلف گفته های خود را انکار می کنند و رفتار ضد و نقیض ایشان موجب طولانی شدن روند دادرسی خواهد شد.

شهادت: شهادت یکی دیگر از روش هایی است که در اثبات جرایم کیفری کاربرد دارد، اما ماهیت تجاوز جنسی به گونه ای است که در خفا انجامی شود، بنابراین یافتن چهار مرد عادل که به مشاهده عمل دخول و تجاوز شهادت بدهند بسیار بعید و دور از ذهن خواهد بود. بنابراین استفاده از شهادت در اثبات تجاوز جنسی چندان کاربردی نیست. از طرفی چنانچه شاهد یا فرد اتهام زنده نتواند گفته خود را ثابت کند، خود به عنوان جرمی مستقل می تواند مورد تعقیب قضایی قرار بگیرد.

علم قاضی: علم قاضی از جمله روش های اثبات جرم است که با استفاده از ادله و امارات می تواند به یقین تبدیل شود. دلایلی وجود دارد که به قاضی کمک می کند تا درباره تجاوز جنسی حکم مقتضی را صادر نماید، از جمله نظریه پزشکی قانونی و معاینات انجام گرفته، تحقیقات انجام شده از متهم در دادرسی، اقرار در نزد بازجو، تحقیقات محلی و گفتگو با شاهدان، فیلم یا فایل های صوتی موجود، پرینت تماس یا پیامک و... تمام موارد گفته شده از جمله دلایل و اماراتی است که در اثبات تجاوز جنسی کمک کننده خواهد بود.

۳-۲ تبیین چالش های موجود در ادله اثبات جرایم جنسی

اقرار که در واقع اخبار از یک حق است که به ضرر مقر می-باشد، به



نزد غیر از قاضی، هیچ اثر اثباتی مستقلی قائل شد. اما قانون در این خصوص سکوت نموده و پاسخی به میان نیاورده است و صرفاً در موارد فوری به قاضی غیر صالح در اجرای ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ اجازه داده تا در جرایم منافی عفت نیز، اقدامات لازم را جهت جلوگیری از امحای آثار و مخفی شدن متهم انجام دهد. رویه عملی محاکم کیفری نشان میدهد که قضات دادسرا اقدامات تأمینی را بسیار موسع تفسیر می کنند و اقدام به تحقیق از متهم و اخذ اقرار وی مینمایند و دادگاه‌های کیفری یک در موارد زیادی یکی از مبانی علم خود را اقرار نزد قضات دادسرا قرار می دهند و چنین افراهایی را به صورت مطلق بی اعتبار تلقی نمی کنند.

۱-۳-۲ انکار بعد از اقرار

انکار در لغت به معنی، نپذیرفتن، عدم اقرار حاشا کردن و اظهار ناآشنایی آمده است (لنگرودی، ۱۳۹۴، ۹۶) بنابراین مقصود از انکار بعد از اقرار آن است که شخص مقرر بنابه دلائلی مدعی صحیح و قانونی نبودن اقرار خویش باشد و از آن رجوع کند.

از دیدگاه قانون، انکار بعد از اقرار صرفاً زمانی مسموع خواهد بود [۱] که اقرار مزبور مبتنی بر اشتباه یا غلط بوده یا به لحاظ عذری صورت گرفته است؛ که در این صورت مقرر باید ادعای خود را در خصوص فساد بودن، اشتباه بودن و یا وجود عذر مزبور را ثابت نماید و در غیر این صورت مأخوذ و ملزم به اقرار خویش خواهد بود

اما در جرایم جنسی، عمومی انکار بعد از اقرار در تجاوز جنسی به استناد ماده ۱۷۳ قانون مجازات اسلامی [۲] سبب سقوط مجازات است و تفاوتی در مراحل رسیدگی و اجرای حکم ندارد و در هر صورت، سبب سقوط مجازات خواهد بود. اما در فقه برخی از فقها، صرفاً در مجازات رجم، انکار

تا سه بار نزد دادگاه اقرار نماید، اما تحت تأثیر القانات و یا هر علت دیگری از اقرار آخری امتناع نماید قاضی باید جهت محکومیت متهم نسبت به ارزیابی اقرار به همراه سایر قرائن و امارات پردازد و نمی تواند جهت اثبات ادعای بزه دیده به صرف اقرار استناد نماید.

-چالش دیگری که نظام حقوق کیفری در هنگام اخذ اقرار از متهم، با آن روبرو می-شود، اقرار نزد غیر قاضی محکمه است.

وفق تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی، اقرار نزد قاضی محکمه دارای اعتبار شرعی است لذا اقرار نزد غیر از قاضی محکمه فاقد اعتبار قانونی می-باشد.

اما از دیدگاه فقه، تفاوتی بین اقرار در نزد قاضی و اقرار در نزد غیر وجود ندارد و در هر صورت معتبر و مشروع خواهد بود (مرعشی، ۱۳۶۴، ۹۳۷) اما در مقابل این نظر، عده-ای از فقها قائل بر این نظرند که با توجه به قید (عند الإمام) که در برخی روایات آمده است، در حقوق الله متهم باید در حضور قاضی اقرار کند و اقرار نزد غیر حاکم را معتبر نمی دانند؛ در حالی که اقرار نزد حاکم خصوصیتی ندارد، بلکه چون در زمان صدور روایت غالباً اقرار نزد امام و قاضی صورت می-گرفت، در روایات از آن استفاده شده است (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی بیتا ۹/۳۵۱۷)

در رویه قضایی نیز، در برخی موارد، علیرغم ممنوعیت تحقیق توسط قضات دادسرا و ضابطان بر خلاف قانون از متهمان تحقیق به عمل آمده و متهم نزد غیر قاضی محکمه، اقرار به وقوع جرم به تعداد مورد نظر قانون گذار می نماید.

لذا در اینجا سوالی که مورد بحث و بررسی قرار می-گیرد این است که آیا چنین اقراری دارای وصف قانونی است یا خیر؟

در پاسخ باید اشاره کرد که هنگامی که قانونگذار دو قید مهم، (اقرار نزد قاضی) و (در محکمه) را شرط اعتبار شرعی آن میداند نمیتوان برای اقرار



اقرار بی توجه باشد یا خیر؟ در پاسخ به این سوال، قانون گذار در حد قتل، توجهی به صحت یا عدم صحت اقرار انکار شده نداشته و مطلق انکار را موجب سقوط حد قتل میداند (مرتضوی ۱۳۸۰، ۲۴).

بنابراین، دادگاه حق ارزیابی انکار را ندارد و در نتیجه ارزش انکار در حد قرائن و امارات تنزل مییابد که می تواند در علم قاضی مؤثر باشد. در فقه مالکی، بین رجوع از اقرار به لحاظ حصول شبهه، و رجوع از اقرار بدون حصول شبهه تفکیک قائل شده اند و در صورت دوم، انکار اقرار، مورد قبول واقع نمیشود لذا در فرض انکار اقرار قاضی حق ارزیابی انکار را دارد؛ اما در فقه شیعه و سایر مذاهب اسلامی متعرض این موضوع نشده اند (جزیری، ۸۰، ۱۴۱۰).

۲-۳-۲ خدشه در اقرار با ادعای اخذ اقرار با شکنجه

توسل به شکنجه از جمله مواردی است که اختیار اقرار کننده را زایل می کند و اقرار او را بی اثر می سازد. قانون اساسی نیز در اصل ۳۸ خود در تایید همین مطلب چنین مقرر داشته است: "هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود."

بنابراین ادعای شکنجه عامل و مسبب خدشه بر اقرار بوده و اقرار را از درجه اعتبار ساقط می نماید.

توضیح این که با هدف ممنوعیت شکنجه در حدود و ممانعت از اخذ اقرار با شکنجه، ادعای تهدید و ارباب و شکنجه موجب اقرار، بدون نیاز به بینة و سوگند مورد پذیرش قرار می گیرد. لذا به صرف ادعای اخذ اقرار به وسیله تهدید، ارباب و شکنجه سبب سقوط اعتبار اقرار می گردد. اما در جرایم جنسی قانون گذار در تبصره ۱ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی [۳] از قاعده عدول کرده و نظام مبهم «تکلیف به بررسی و تحقیق» را وضع

بعد از اقرار را مسموع دانسته و آن را سبب سقوط حد می دانند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۹۲) اما گروهی از فقها قائل به سقوط حد قتل و رجم در صورت انکار بعد از اقرار می باشند (ترابی و شهرضایی، ۷، ۱۳۹۰) که قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۷۳ قائل به سقوط حد قتل و رجم در صورت انکار بعد از اقرار می باشد.

این دیدگاه در حق الله امری شایسته است اما باید توجه داشت که جرایم جنسی، حق الله صرف نیستند و حق الناس در آن بر حق الله غلبه دارد. (توجهی و توکل پور، ۱۳۹۰، ۱۱۳) بنابراین بر خلاف رجوع از اقرار در حق الله محض که به دلیل حصول شبهه ثبوت حد را از بین می برد در سایر موارد رجوع از اقرار نباید به نفوذ و اعتبار، اقرار خللی وارد نماید (مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، بیتا: ج ۹).

در این بحث، نکاتی حائز اهمیت است؛ اول این که انکار بعد از اقرار تبعات سوء اجتماعی و روانی داشته و سبب گسترش حس ترس در بین اقشار آسیب دیده و در معرض آسیب می گردد زیرا در صورت انکار، مجازات مرتکب در رابطه با تجاوز احراز نمی گردد و شدت مجازات به قدرت اثباتی ادله خدشه وارد می کند.

و نکته دوم این است که امکان انکار اقرار حتی بعد از صدور حکم و توسعه آن تا زمان اجراء فرصت استناد به علم قاضی را سلب کرده و سبب موضوعیت پیدا کردن انکار می گردد و در نتیجه انکار پس از اقرار به قاضی تحمیل میگردد و حق ارزیابی اقرار را از قاضی رسیدگی کننده سلب می نماید و در نتیجه باید اثر انکار که همانا تبدیل شدن مجازات اشد و خفیف و گاه براءت است پایبند باشد.

چالش دیگری که در خصوص انکار بعد از اقرار تحت عنوان یک سوال مطرح می گردد این است که اگر برای قاضی علم حاصل شود که اقرار، صحیح بوده و انکار، بی وجه است، آیا قاضی اجازه دارد به انکار پس از



نیست که در فرض عدم استیفای عدد، جرمی اثبات نشده و در نتیجه حدی نیز جاری نخواهد شد.

ماده ۱۶۱ قانون مجازات اسلامی [۴] نیز به همین موضوع اشاره دارد و قاضی رسیدگی کننده، با وجود شرایط، باید به استناد آن رأی صادر کند. از دیدگاه قانون، شهادت بر دو گونه است که در مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی، به این موضوع اشاره شده است.

بنابراین بر طبق مواد صدرالاشاره، شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد و در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد اظهارات او استماع می شود. تشخیص میزان تاثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است.

بنابراین در شهادت شرعی که موضوعیت دارد نیازی به حصول علم برای قاضی در اثر شهادت نیست و در صورت وجود شرایط شهادت به قاضی تحمیل می گردد. اگرچه موجب علم او نگردد. اما اگر علم بر خلاف شهادت برای قاضی ایجاد شد، طبق ماده ۱۶۱ قانون مجازات اسلامی شهادت ارزش اثباتی تحمیلی خود را از دست میدهد.

در حقوق موضوعه برای شهادت بر زنا، الزاما باید تعداد شهود به حد نصاب که همان ۴ مرد عادل و یا ۳ مرد و ۲ زن عادل است برسد و در غیر این صورت، یعنی با کمتر از این نصاب، حد قتل اثبات نمی گردد.

۴-۳ رجوع از شهادت

ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد که « رجوع از شهادت شرعی، قبل از اجرای مجازات موجب سلب اعتبار شهادت می شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست. » بنابراین شهود می توانند قبل از اجرای مجازات، از شهادت خود رجوع کنند که در این صورت، شهادت از درجه اعتبار ساقط می گردد. بنابراین قانون گذار امکان رجوع

نموده است. باید اشاره کرد که از این جهت نظام «تکلیف به بررسی و تحقیق» مقرر در تبصره ۱ ماده ۲۱۸ [۱] قانون مجازات اسلامی، مبهم وصف شده است که؛ ادعای اخذ اقرار با شکنجه، به منزله انکار اقرار است که توضیح در مبحث قبل گذشت. لذا تبیین نشده است که در صورت بررسی و تحقیق، اگر صحت یا عدم صحت ادعا محرز نگردید تکلیف قاضی رسیدگی کننده چیست؟ و نیز اگر ادعای اخذ اقرار با شکنجه را مساوی با انکار اقرار محسوب نماییم، آیا بازهم نیاز به تحقیق و بررسی هست، یا اینکه، اقرار اعتبار خود را از دست میدهد؟

ضمن این که در صورت تحقیق و تفحص سبب می گردد که بار اثبات از عهده متهم خارج شود یا این که اینکه همچنان متهم باید دلایل اثباتی بر شکنجه را ارائه نماید؟ و معکوس شدن بار اثبات دلیل یک قاعده استثنایی است. موحدی، ۱۳۹۳، ۱۶۷ که در این مورد قانون گذار آن را به روشنی تبیین نکرده است. بنابراین، اخذ اقرار با شکنجه مغایر با قاعده «البینه علی المدعی» می باشد.

در نتیجه نظام «بررسی و تحقیق» یک نظام لغو تلقی می گردد، زیرا اقرار قابلیت عدول دارد و به محض عدول ارزش اثباتی خود را از دست میدهد لذا ادعای شکنجه و تهدید و ارباب که نتیجه آن بررسی و تحقیق است، در مقابل انکار اقرار که مستقیماً باعث بی اعتباری اقرار میگردد، رنگ می بازند. بنابراین نظام ادله اثباتی اقرار نمی تواند یک دلیل کارآمد در جهت کمک به بزه دیده تلقی گردد.

۳-۲-۳ چالشهای ناظر به شهادت شهود

علیرغم اینکه شهادت در فقه مصداق بارز بینه شرعیه و در حقوق موضوعه از ادله اثبات دعوی قلمداد شده است؛ اما شارع بنابر ملاحظات از قبیل احتیاط در أعراض و فروج، در اثبات برخی از جرایم جنسی، نصاب خاصی از شهود را لازم دانسته است (چهار شاهد مرد). مدلول این شرط جز این



و مستوجب عقاب اخروی است و مضاف بر آن، نگاه به فرج و آلت تناسلی دیگران از مسلم ترین گناهان است. بنابراین حصول شرط شهادت مشاهده ای بسیار نادر است (کدخدایی، ۱۳۹۰، ۸). لذا قانون گذار صرفاً احراز رکن دخول را منحصر به شهادت مشاهده ای نموده است و در رابطه با سایر ارکان به نظر میرسد نیازی به شهادت مشاهده ای نباشند؛ ارکانی چون عدم رضایت یا ربودن زن و یا اغفال و فریب زن و یا عدم وجود رکن زوجیت از جمله مسائلی است که از شمول ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی خارج است، ولی در رویه قضایی این تفکیک کمتر مورد توجه قرار می گیرد. علاوه بر آن جمع چهار مرد عادل برای تحمل شهادت و مشاهده عمل تقریباً غیر ممکن خواهد بود.

در انتهای ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی بر این موضوع تاکید شده است که اگر تعداد شهود به حد نصاب نرسد و یا این که مستند به مشاهده نباشد، شهود محکوم به قذف خواهند بود که تبصره ۲ ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری قاضی را مکلف نموده است که عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد و این یک تکلیف الزامی برای قاضی است و در بزه تجاوز جنسی نیز این الزام برای قاضی وجود دارد. که عمل به این تکلیف سبب بروز ترس و تردید در بین شهود گشته و گاهی سبب می گردد تا شاهدین از ادای شهادت در محکمه خودداری نمایند که در نتیجه فرد بزه دیده متحمل ضرر و تضییع حق خواهد بود.

۳-۳ علم قاضی

مسأله جواز استناد قاضی به علم خود در مقام حکم کردن، از زمانهای گذشته در کلمات علما وجود داشته است و تمامی آنها بر جواز استناد قاضی به علم خود در جایی که قاضی، امام معصوم است اتفاق نظر دارند اما نظراتشان در مورد قاضی غیر معصوم، فی الجمله مختلف است. قول مشهور میان فقهاء که نسبت به آن در کتاب انتصار و خلاف و غنیه، ادعای

از شهادت را بسیار توسعه داده است و بدون اینکه در مورد واقعی یا غیر واقعی بودن شهادت متعرض شود و یا تفکیکی بین حق الله و حق الناس یا حق مشترک قائل شود به نحو مطلق رجوع از شهادت را باعث بی اعتباری شهادت می داند (سبحانی، سایت ارتباط شیعه، ۱۴۰۱)

امکان رجوع از شهادت سبب می گردد که همیشه، شهود تحت فشار متهم باشند و در هنگام رجوع شهود از شهادت، قاضی باید اطلاعات شهود را از درجه اعتبار ساقط نماید که این خود باعث تضییع حقوق بزه دیده و ایجاد تزلزل در روند دادرسی می گردد.

البته نباید از این نکته غافل ماند که در جرایم حق الله صرف، رجوع از شهادت امری مطلوب است اما تعمیم آن به سایر جرایم که جنبه حق الناسی آن بر حق الله غلبه دارد، آثار منفی زیادی به همراه خواهد داشت. نکته دیگری که سبب بروز چالش هایی در روند دادرسی و احقاق حقوق بزه دیدگان جرایم جنسی می گردد، انحصار شهادت و مشاهده عمل و سپس ادای شهادت است.

در همین راستا ماده ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد که؛ «در خصوص شهادت بر زنا یا لواط، شاهد باید حضوری عملی را که زنا یا لواط با آن محقق می شود دیده باشد و هرگاه شهادت مستند به مشاهده نباشد و همچنین در صورتی که شهود به عدد لازم نرسند شهادت در خصوص زنا یا لواط، قذف محسوب می شود و موجب حد است.» بنابراین تحمل شهادت از طریق شنیدن یا دیدن از طریق وسایل ارتباطی و الکترونیکی فاقد اعتباری بوده و صرفاً تحمل شهادت از طریق مشاهده حضوری به شهادت وجهه شرعی و قانونی می بخشد؛ زیرا شهادتی که بی واسطه و به وسیله مشاهده ادا شود از درجه اعتبار بیشتری برخوردار است (رحمدل، ۱۳۹۴، ۲۵۹).

با توجه به اینکه فقه همواره افراد را از تجسس در امور دیگران نهی نموده



جنسی

مسائل قضایی از آنجایی که چون با حیثیت، آبرو، جان و مال مردم سر و کار دارد از حساسیت ویژه ای برخوردار است لذا در این مهم، هر امری نمی-تواند به عنوان ادله اثبات مورد استفاده قرار گیرد بلکه در هر سیستم و نظام حقوقی اصول، مبانی، قواعد و چهارچوب خاصی دارد که مسائل قضایی را با توجه بدان حل می کند.

در نظام حقوقی ایران که بر مبنای فقه اسلامی است نیز الزاما باید مبانی فقهی ادله اثبات جرایم جنسی بررسی و تبیین شود و در صورت عدم مخالفت با مبانی شرعی و فقهی به عنوان ادله نو در اثبات جرایم جنسی مورد استفاده قرار گیرد که در ذیل این بحث به بررسی مبانی آن خواهیم پرداخت؛

۱-۴ ادله قرآنی

برخی از آیات به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر مشروعیت بکارگیری راه-های علمی برای اثبات جرایم اشاره کرده اند که در ادامه به برخی از آیات اشاره خواهد شد.

در برخی آیات بیان شده است که اگر قراین بر مطلبی دلالت قطعی بکند پذیرفته می-شود:

«... وَ إِن حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»
(مائده/۴۲)

... و اگر در میان آن ها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست می دارد.

«... وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/۵۸)

... و هنگامی که میان مردم داوری می کنی، به عدالت داوری کنی.

از این آیات اینگونه استنباط می-شود که با توجه به این که قضات ملزم هستند تا براساس عدالت حکم کنند و مزید بر آن در اسلام نیز هدف از

اجماع شده، این است که قاضی غیر معصوم نیز مطلقا می تواند براساس علم خود حکم نماید. در حقوق موضوعه نیز قانون گذار در ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی [۵] به تبعیت از مشهور فقها علم قاضی را به طور مطلق حجت می-داند و حتی در ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی [۶] در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می کند که مواد قانونی ۱۶۱، ۱۷۱ و ۱۷۵ قانون مجازات اسلامی نیز بر این امر تاکید دارد. (امیدی جوانمردی صاحب و مرادپور، ۱۳۹۸، ۷۹)

بنابراین در جرایم جنسی منع تجسس و بزه پوشی حاکم نیست و از اطلاق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مستثنا شده و حیثیت خصوصی جرم بر آن غلبه دارد. لذا تردیدی در عمل به علم قاضی حتی اگر از طریق تجسس و تحقیق حاصل شده باشد، در بزه تجاوز جنسی وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۳، ۱۸۷) بنابراین علم قاضی در رویه قضایی به عنوان یک دلیل مؤثر در اثبات دعوای تجاوز جنسی تلقی میشود که حتی نقص دلایل دیگر را هم پوشش میدهد.

در واقع در علم قاضی بر مبنای دلایل معنوی و اقناع وجدانی پایه گذاری شده است که در آن می-توان از قرائن مشروع قانونی برای رسیدن به علم استفاده نماید و هیچ دلیلی بر قاضی تحمیل نخواهد شد. (گلدوزیان، ۱۳۹۸، ۲۵۱)

امروزه برخلاف جوامع سنتی گذشته بزهکاران و به ویژه مجرمان حرفه ای و آنها یی که به شکل سازمان یافته مرتکب جرم می شوند با استفاده از پیشرفت هایی که در عرصه های مختلف زندگی نصیب بشر گردیده است با شیوه-های فنی مرتکب جرایم می-گردند.

۴-دلایل فقهی بر مشروعیت به کارگیری طرق علمی در ادله اثبات جرایم



است که حقوق مردم حفظ شده و به صاحبان اش برسد، و قضاوت براساس قراین با هدف شارع که همان اقامه عدل در میان مردم و رساندن حقوق به چند شارع مقدس علاقمند به رساندن حقوق به صاحبان اش است و ازاین رو در پاره ای موارد پرداخت دیه از بیت المال را در نظر گرفته است تا حقوق مردم از بین نرود در واقع به تبرئه افراد بی گناه حریص تر است و مجازات هیچ بی گناهی را بر نمی تابد لذا اصل برائت و قاعده درء را توصیه می-کند که بایستی همواره در رسیدگی ها مورد توجه قضات قرار بگیرد» (زحیلی، ۱۴۱۴، ۵۰۲)

در واقع می-توان چنین بیان کرد که؛ راه های علمی برای اثبات جرم که در اثر پیشرفت علوم در اختیار دادگستری قرار گرفته به عنوان یک نوع کارشناسی است که تمامی اعدا و جنبه-های غیرحقوقی پرونده-ها را مورد ارزیابی قرار می-دهد و قاضی رسیدگی کننده ملزم به استفاده از این نوع کارشناسی می-باشد. ازاین رو لازم است با قاعده عقلی معروف «رجوع جاهل به عالم» به اعتبار آنها از نظر فقه اسلامی استدلال شود. بنابراین عقل حکم می کند که اگر کسی چیزی را نمی داند و نسبت بدان جاهل است باید به کسی که عالم است رجوع کند. سیره عملی همه عقلا در همه زمان ها و مکان ها هم مبتنی بدان بوده است و در اموری که خود تخصص ندارد به متخصص آن رجوع می-کنند. در نتیجه آرای کارشناسان در حوزه تخصصی خودشان در همه زمینه ها و عرصه ها از نظر عقلی و در نهایت از نظر فقه اسلامی حجت است در نتیجه یکی از عرصه هایی که نیازمند نظر کارشناسی است رسیدگی های کیفری است و قضات در رجوع به کارشناسی

در موردی که پرونده ایجاب می کند، قطعاً مشمول قاعده فوق هستند.
۵- قلمرو اعتبار بکارگیری ادله علمی در اثبات جرایم جنسی از منظر فقه

قضاء، احقاق حق و اجرای عدل است لذا و قضات مأمورند به این هدف متعالی دست یابند که دستیابی به این هدف نیازمند وسایل و ابزاری است که می بایست در اختیار قضات قرار گیرد.
بنابراین راه های علمی اثبات جرم می-تواند از جمله این ابزارها تلقی شده و قضات را در رسیدن به هدف یاد شده یاری کند. ازاین رو قضات می توانند از همه ظرفیت های مشروع از جمله از راه های علمی اثبات جرم برای رسیدن به هدف مذکور استفاده کنند.
۴-۲ سنت

دومین منبع از ادله فقهی در اثبات مشروعیت استفاده از طرق علمی در اثبات جرایم و خاصه در جرایم جنسی که جنبه حق الناسی آن بر حق الله غلبه دارد سنت می-باشد که از روایت «رسوا نمودن زن حيله گر توسط امیرالمومنین» [۷] اینگونه استنباط می-شود که در فرایند کشف جرم، رسیدگی و اثبات جرم نیز می-توان از طرق جدید و قرائن علمی استفاده نموده که در روایت مذکور، فعل معصوم که از مصادیق سنت می-باشد موکد این نکته است. (مظفر، ۱۴۰۲، ۶۲)

۴-۳ دلیل عقلی

همکانطور که می-دانید دلیل عقلی یکی از مهمترین ادله فقهی است که به وسیله آن مستحدثات فقهی زیادی قابل حل است.
«دکتر محمد زحیلی از حقوق دانان سوریه درمورد اعتبار قراین در باب قضا از منظر عقل چنین استدلال می کند:
تعداد زیادی از وقایع به شهادت و اقرار و کتابت قابل اثبات نیست و ما اگر به قاضی استفاده از قراینی را که بیان گر حق و دال بر آن است اجازه ندهیم، حقوق مردم از بین می رود در حالی که شارع به شدت خواهان آن



پژوهش فوق با چند هدف به رشته تحریر درآمد و نگارنده در صدد پاسخ به چند سوال اصلی و کاربردی در رابطه با ادله اثبات جرایم جنسی بود. بحث ابتدایی این پژوهش به موضوع میزان کاربردی بودن ادله اثبات سنتی در جرایم پرداخت که بررسی های انجام شده چنین اثبات کرد که علیرغم مشروعیت داشتن ادله اثباتی سنتی در جرایم جنسی نظام طراحی شده در رابطه با آن تا حد زیادی بر خلاف حقوق بزه دیده است و ابزاری که بتواند به سهولت ادعای بزه-دیده را اثبات نماید در اختیار وی قرار ندارد و نظام اقرارهای ناقص و انکار شده و اقرار با ادعای شکنجه و همچنین اقرار نزد سایر کنشگران غیر قاضی محکمه از انسجام کافی برخوردار نبوده و در جرایم مهمی چون جرایم جنسی، اقرار که به عنوان یکی از مهمترین دلایل اثبات جرایم محسوب می شود، به دلیلی ناکارآمد تبدیل گردد؛ و همچنین در شهادت شهود که قدرت اثباتی آن به مراتب کمتر از اقرار می-باشد، به دلیل وجود شرایط خاصی در اعتبار بخشیدن به شهادت از قبیل رویت عمل در هنگام تحمل شهادت و نیز رعایت حد نصاب شهود، این دلیل اثباتی را به یک دلیل متزلزل تبدیل نموده است که حتی ممکن است با تهدید شهود و نیز احتمال محکومیت به قذف شهود، امکان ادای شهادت در نزد قاضی را برای شهروندان با مشکلاتی روبرو کرده است.

همچنین با توجه به وسعت دامنه اثباتی علم قاضی در جرایم جنسی، چنین استنباط می-گردد که علم قاضی یک دلیل با ارزش اثباتی بالا خواهد بود اما ضروریست تا شیوه های استناد به علم قاضی در رویه قضایی معین و در قانون تصریح شود و معیارهای آن جهت جلوگیری از تضییع حقوق بزه-دیدگان، تبیین گردد.

و در نهایت اینگونه استنباط می-شود که استفاده از طرق علمی نیز در کنار سایر ادله اثباتی سنتی ضرورت دارد که با تحقیق و تفحص در ادله فقهاتی

اسلامی

با توجه به هدف متعالی نظام حقوقی ایران که برگرفته از فقه اسلامی است و نیز با در نظر گرفتن ضرورت مبارزه با جرم و جنایت و احقاق حقوق بزه-دیدگان در جرایم جنسی و ارتکاب به جرایم با شیوه-های جدید ارتباطی که نشأت گرفته از پیشرفت تکنواوژی است، استفاده از طرق علمی بروز در اثبات جرایم، ضرورت می-باید.

اما سوال مهمی که در این خصوص مطرح می-گردد این است که این طرق علمی در چه زمان و در چه محدوده-ای معتبر است. آیا اعتبار آن مطلق است و یا صرفا در قلمرو خاصی دارای اعتبار است؟

از آنجایی که در حقوق الله، ادله اثبات موضوعیت پیدا می-کند لذا نمی-توان از طرق علمی دیگر در اثبات جرم استفاده نمود. اما با استناد به قاعده درء حدود و حقوق الله با عروض شبهه رفع می شود، می توان حقوق الله را با بکارگیری طرق علمی و ایجاد شبهه، رفع کرد.

چنان که نقل شده است حضرت علی(ع) در جریان اتهام زنا به دختر باکره که شهود کافی با شرایط لازم بدان شهادت داده بودند، امر را جهت تحقیق بیشتر به زنان قابله محول فرمودند. زنان یاد شده بعد از معاینات لازم ابراز داشتند دختر باکره و میرا از این اتهام است و آن حضرت فرمودند:

«من کسی را که از طرف خداوند مهرعفت دارد، حد نمی زنم» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۲۶۱)

و بدین وسیله وی را تبرئه کردند. در این واقعه علیرغم این که شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی وجود داشت، اما امام (ع) امر را جهت تحقیق بیشتر زنان قابله محول فرمودند که به عنوان یک راه علمی در آن زمان محسوب می-گردید، در نتیجه می توان با به کارگیری راه های علمی شبهه لازم را ایجاد و متهمان را تبرئه کرد.

۶- نتیجه گیری



عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال صرف ادعاء، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.

۴- ماده ۱۶۱ در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد اثبات می شود، قاضی به استناد آنها رأی صادر میکند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد». ۲. ماده ۱۷۵: «شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است؛ اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد». ماده ۱۷۶ در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد اظهارات او استماع میشود.

۵- علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.

۶- در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر رأی صادر می کند.

۷- زنی فتنه گر شیفته و دلباخته نوجوانی از انصار گردید، ولی هر چه کوشید جوان پرهیزکار را جلب توجه و عطف کند نتوانست، از این رو درصدد انتقام جویی برآمده و تخم مرغی را شکسته با سفیده آن جامه خود را آلوده ساخت و بدینوسیله جوان پاکدامن را متهم کرده او را نزد عمر برد و گفت: ای خلیفه! این مرد مرا رسوا نموده است. عمر تصمیم گرفت جوان انصاری را عقوبت دهد، مرد پیوسته سوگند یاد می کرد که هرگز مرتکب فحشایی نشده است و از عمر می خواست تا در کار او دقت و تحقیق نماید، اتفاقاً امیرالمومنین علی (ع) در آنجا نشسته بود، عمر به آن حضرت (ع) رو کرده و گفت: یا علی! نظر شما در این قضیه چیست؟ آن حضرت به سفیدی جامه زن به دقت نظر افکنده وی را متهم نمود و

از جمله، کتاب، سنت و دلایل عقلی نیز این نتیجه مستفاد می-گردد.

لذا می-توان چنین نتیجه گرفت که استفاده از طرق علمی به عنوان تکمیل کننده ادله اثباتی سنتی در جهت احقاق حقوق بزه دیدگان دارای اعتبار شرعی بوده و در سیره معصومان نیز از این طرق علمی و ادله اثباتی نو برای احقاق حقوق بزه دیدگان مورد استفاده قرار گرفته است.

پانویس:

۱- ماده ۱۳۷۷ قانون مدنی انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند اقرار او فاسد یا مینی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده میشود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده لیکن دعوای مذکوره مادامی که اثبات نشده مضر به اقرار نیست»

۲- ماده ۱۷۳: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست، به جز اقرار به جرمی که مجازات آن موجب رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله ولو در حین اجراء مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آن حبس تعزیری درجه پنج ثابت میگردد».

۳- تبصره ۱ ماده ۲۱۸ در جرایم محاربه و افساد فی الارض و جرایم منافی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



طعمش را چشید آن را به دور افکند و سپس به زن رو کرده، او را سرزنش نمود تا این که زن به گناه خود اعتراف نمود و از این راه مکر و خدعه زن آشکار کرد و به برکت آن حضرت، مرد انصاری از عقوبت رها گردید.

فرمود: آبی بسیار داغ روی آن بریزند.
و چون ریختند جامه بسته شد، پس امام(ع) برای فهماندن حاضران اندکی از آن را در دهان گذاشت و چون



منابع

- کدخدایی، محمدرضا بررسی حکم سنگسار در اسلام»، فصلنامه کاوش نو در

فقه اسلامی (فقه) شماره ۶۷، ۱۳۹۰.

- گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، تهران، نشر میزان، سال ۱۳۸۳.

- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن هذلی المختصر النافع فی فقه الامامیه، قاهره، دار الکتب العربی، بی تا.

- مرتضوی، سید فتاح شرح قانون مجازات اسلامی (مبانی فقهی)، تهران، مجد، ۱۳۸۰.

- مرعشی، سید محمد حسن، قاعده اقرار العقلاء»، فصلنامه حق شماره ۴ اسفند ۱۳۶۴.

- مرکز دائرة المعارف بزرگ، اسلامی دانشنامه بزرگ اسلامی، بی جا، بنا، بی تا.

- مظفر، محمد رضا، المنطق، بیروت، دار المتعارف للمطبوعات، بی جا، ۱۴۰۲.

- منیری، ثریا و رحیم زاده تحلیلی پیرامون سختگیری اثبات جرایم در فقه امامیه»، مجله پژوهش های فقه و حقوق اسلامی شماره ۴۷، ۱۳۹۶.

- موحدی، جعفر معکوس شدن بار اثبات دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران، مجد، ۱۳۹۳.

- نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.

- نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴.

- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عموم، ی تهران، نشر دادآفرین، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۹۳.

- یزدانی، یوسف علی و زاهدان، محمدحسین، ارزیابی الگوی کیفری ایران در جرایم جنسی، کنفرانس سالانه ارزیابی پژوهش های حقوقی و قضایی، دوره اول، تهران، برگرفته از سایت ۱۴۰۱، www.sid.ir.

- سبحانی،

<https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/sobhani/feqh/۸۹/۸۹۱>

۰۲۷، ۱۴۰۱.

قرآن کریم

- امیدی، جلیل، مرتضی جوانمردی صاحب و ژیلای مرادپور نقش علم در احراز عتف و اکراه در جرایم منافی عفت بررسیهای نظری و تجربه های عملی مطالعات فقه و حقوق اسلامی سال یازدهم شماره ۲۰ بهار و تابستان ۱۳۹۸

- ترابی شهرضایی اکبر آیین دادرسی کیفری اسلام احکام حدود، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار ۱۳۹۰.

- توجهی، عبدالعلی و محمدهادی توکل پور وجوه تمایز زنا و تجاوز به عتف با تأکید بر شیوه های اثبات»، پژوهش نامه حقوق اسلامی سال دوازدهم شماره ۲، ۱۳۹۰.

- جزیری عبدالرحمن بن محمد عوض، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، بیروت، دار الکتب العلمیه الاسلامیه، ۱۴۱۰.

- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷، ۳۷۴۱ س.

- حر عاملی محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعه الخامسه، ۱۴۰۳.

- حسینی، محمد سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران تهران دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

- خالقی، علی نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری چاپ سیزدهم تهران، شهر دانش، ۱۳۹۸.

- رحمدل منصور، آیین دادرسی کیفری چاپ دوم تهران دادگستر ۱۳۹۴.

- رضایی، رضا، بررسی جرم تجاوز به عتف از نگاه جرم شناسی، تهران، مجله کارآگاه، شماره ۱۰، ۱۳۹۶.

- زحیلی، محمد، وسایل الاثبات، الرياض، مکتبه الموبد، الطبعه الثانيه، ۱۴۱۴.

- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل بیت، ۱۴۰۴.



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



مرکز اطلاعات علمی جهان و دانشگاه
Scientific Information Database

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



ESJI
www.ESJIndex.org

Eurasian
Scientific
Journal
Index



Academic
Resource
Index
ResearchBib



Academia.edu
share research



-نوبهار، رحیم، اثبات قضایی جرم تجاوز به عنف، برگرفته از تارنمای شخصی

دکتر نوبهار به آدرس <http://www.nobahar.ir>